بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی بین دختران نوجوان در خانواده و در مراکز شبه‌خانواده شهر تهران

ملیحه عرشی: دکترای مددکاری اجتماعی، عضو هیات علمی گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهریستی و توانبخشی تهران، ایران
معصومه صیاد*: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهریستی و توانبخشی، تهران، ایران. su.sayad93@yahoo.com
عذرا فرمانی: دانشجوی دکترا، گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی مقایس‌های هوش هیجانی بین دختران نوجوانی که در خانواده و در مراکز شبه خانواده بهزیستی در شهر تهران زندگی می کنند، می‌باشد.

روش: این پژوهش با روش پیمایش تحلیلی انجام گرفته و از انواع مطالعات علی‌مقایسه‌ای می‌باشد که هوش هیجانی را در دو گروه ذکر شده مقایسه می‌نماید. نمونه آماری دختران نوجوان ساکن ۱۰ مرکز شبه‌خانواده شهر تهران در سنین ۱۴ الی ۱۸ سال بودند که تعداد کل آن‌ها در زمان تحقیق، ۴۶ نفر بوده است و به علت محدودیت تعداد از روش تمام‌شماری برای انتخاب نمونه استفاده شد. نمونه‌آماری گروه مقایسه‌ی این پژوهش ۷۰ نفر از دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۸ سال شهر تهران می‌باشد که به روش نمونه‌گیری مضاعف انتخاب شد این دو گروه از لحاظ سن همگن شدند. در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری هوش هیجانی پرسشنامه‌ی بار-ان (۱۹۹۸) می‌باشد که توسط سموعی و همکاران (۱۳۸۲) در ایران هنجاریابی شده است.

نتایج: دختران در مراکز شبه‌خانواده با دختران در خانواده در خرده مقیاس‌های حل مسئله، احساس خوشبختی، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، روابط بینفردی، خوش‌بینی، همدلی و خود ابرازی تفاوت‌های معناداری داشتند، اما در شاخص تحمل فشار تفاوت معناداری نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: در این تحقیق، میزان کل هوش هیجانی در دختران مراکز شبه‌خانواده به طور معناداری پایین‌تر از دختران خانواده می‌باشد. مولفه‌های هوش‌هیجانی و مهارت‌های شناخت و کنترل احساس از طریق آموزش قابل ارتقاء می‌باشند. بنابراین برنامه‌ریزی در این راستا می‌تواند به دختران ساکن در شبه‌خانواده برای کیفیت زندگی مطلوب‌تر کمک نماید.

واژگان کلیدی

هوش هیجانی

مراکز شبه خانواده

خانواده

بار-ان

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۳

نحوه استناد به مقاله: ملیحه عرشی، معصومه صیاد، عذرا فرمانی. بررسی مقایس‌های هوش هیجانی بین دختران نوجوان در خانواده و در مراکز شبه خانواده شهر تهران. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۳): ۴۷-۳۹

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

A Comparative Study of Emotional Intelligence Among Adolescent Girls in the Family and in the Foster Care Institution in Tehran

Malihe Arshi: Ph.D of social work and faculty member of University of social welfare and rehabilitation science
Masume Sayad*: M.A. student of social work, University of social welfare and rehabilitation science
Ozra Farmani: Ph.D. student of social work, University of social welfare and rehabilitation science

Abstract

Introduction: Emotional intelligence is one kind of intelligence that considered important. The purpose of this study is to compare the emotional intelligence among adolescent girls in the family and foster care institution in Tehran. The causal comparative method was used.

Methodology: In this research the causal comparative method was used. The statistical sample of control group was 70 and study group was 46. The Bar-On questionnaire (1998) was used to assess emotional intelligence of adolescent girls. This questionnaire have normalized in Iran by Samooie et al. (1382) and include 5 scale and 15 subscales.

Results: The study and control group didn't have significant differences in stress tolerance but in interpersonal, intrapersonal, happiness scales, girls who live in foster care institution get lower scores. There was also significant difference in subscale such as problem-solving, happiness, independent, assertiveness, optimism, empathy, interpersonal relationship and self-actualization. In this study total score of emotional intelligence was lower in girls who live in foster care institution in comparison with girls who live in family.

Conclusions: Component of emotional intelligence can be promoted by training. So planning in this regard could help girls who live in foster care institution experiencing better quality of life.

Keywords

Emotional Intelligence

Foster Care Institution

Family

Bar-On

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 11 Nov 2014
Accepted: 4 Dec 2014

Please cite this article as follows: Arshi M, Sayad M, Farmani O. A comparative study of emotional intelligence among adolescent girls in the family and in the foster care institution in tehran. Quarterly journal of social work. 2014; 3 (3); 39-47

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

مقدمه

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که در تمام جوامع بشری با الگوهای متفاوت وجود دارد که برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد. خانواده دارای کارکرد های فراوانی است و به واسطه کارکرد تعلیم و تربیت که یکی از مهمترین کارکردهای آن است در شکل‌گیری رفتارهای هر شخص، طرحواره‌ها و شناخت‌های او از خود، اطرافیان و محیط نقش مهمی دارد (صمدی و رضایی، ۱۳۸۸؛ شریفی، ۱۳۷۸؛ بهرامی، ۱۳۷۸).

خانواده بر سلامت نوجوانان نقش اساسی دارد. گرچه در دوره‌ی نوجوانی به دلیل برخی ویژگی‌های تکاملی نوجوانان، از جمله ارتباطات بیشتر با گروه همسالان، استقلال‌خواهی و آرمان‌گرایی ارتباط نوجوان با خانواده کمتر می‌شود اما حتی همین روند تکاملی نیز در سایه‌ی خانواده و بستری که خانواده برای پرورش و تکامل نوجوان فراهم می‌کند، صورت می‌گیرد (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۵).

عمدهی پژوهش‌های انجام شده همبستگی بین هوش هیجانی و سبک دلبستگی (ذراتی و همکاران، ۱۳۸۵؛ بکندام ، ۲۰۰۱) و عوامل خانوادگی (صبری و همکاران، ۱۳۹۲؛ میهالا ، ۲۰۱۴؛ حدادی و همکاران، ۱۳۸۵) رفتارهای انحرافی (اصغر نژاد و همکاران، ۱۳۸۴؛ تمنایی فر و همکاران، ۱۳۹۱) را تایید کرده‌اند.

نتایج فرا تحلیل جمالی و همکاران (۱۳۸۹) بر رابطه‌ی هوش هیجانی و سلامت روان نشان می‌دهد که هوش هیجانی بالاتر ارتباط معناداری با سلامت روان بهتر دارد.

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که بین سبک دلبستگی و هوش هیجانی رابطه وجود دارد. طبق نتایج این تحقیقات کودکانی که رابطه دلبستگی ایمن داشته‌اند، از نظر هیجانی خود را بیان می‌کنند، درک بهتری از هیجان‌ها دارند و در مقایسه با کودکان ناایمن، در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند. پژوهشگران بیان کردند که میزان نسبتا بالای هوش هیجانی، یکی از خصایص افرادی است که رابطه‌ی دلبستگی ایمن داشته‌اند (بار-ان و پارکر، ۲۰۰۰؛ ذراتی، امین یزدی و آزاد فلاح، ۱۳۸۵). در دنیای امروزی و با زندگی‌های پر مشغله که خانواده‌ها گرفتار آن هستند وقت والدین بسیار با ارزش و محدود است و موانع زیادی وجود دارد که باعث می‌شود والدین از نوجوانان خود غافل شوند. از جمله مواردی که می‌توان در تربیت فرزندان و در واقع فرزندپروری در چنین شرایطی بهره‌مند شد هوش هیجانی و پرورش آن است (کاووسی، ۱۳۸۷).

مفهوم هوش هیجانی به دلیل جایگاه و اهمیت هیجان در زندگی فردی و اجتماعی و ضرورت آن در حفظ سلامت روان مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی به بررسی این موضوع و پیامدهای آن پرداخته‌اند (تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷؛ یوسفی و صفری، ۱۳۸۸؛ ویدال و همکاران، ۲۰۱۰).

مفهوم هوش هیجانی در سال ۱۹۹۰ مطرح شد و تعاریف گوناگونی توسط محققان در این زمینه ارائه گردیده است (خائف الهی، ۱۳۸۲؛ اکبرزاده، ۱۳۸۳). گلمن (۱۹۹۵) معتقد است هوش هیجانی شامل خودآگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه است (به نقل از صبری و همکاران، ۱۳۹۲). اما یکی از تعاریف جامع هوش هیجانی که در این پژوهش نیز به آن پرداخته شده است تعریفی است که بار-ان از هوش هیجانی دارد. به عقیده بار-ان هوش هیجانی یک سازه چند عاملی است که از توانایی به هم پیوسته، مشخص و اجتماعی تشکیل شده که ما را در رویارویی با مقتضیات زندگی روزمره یاری می‌دهد. توانایی اساسی هیجانی شخصی و اجتماعی که ساختار این سازه را ایجاد می‌کند و عبارتند از: حرمت نفس، خودآگاهی عاطفی، جرات‌مندی و تحمل استرس، کنترل تکانه، واقعیت آزمایی، انعطاف پذیری، حل مسئله، همدلی و روابط بین فردی. افرادی که تعداد بیشتری از مولفه‌های این پنج حیطه را در خود بیابند هوش هیجانی بالاتری داشته و از سلامت روانی برخوردارند (خسرو جاوید، ۱۳۸۱؛ آقابابایی، ۱۳۸۶).

اکس ترمرا و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هوش هیجانی بر کیفیت زندگی بر اساس سلامت در زمینه‌های اجتماعی، جسمی و روانی می‌تواند موثر باشد. نتایج برخی پژوهش‌ها بر روی جوانان حاکی از آن است که بین هوش هیجانی و مشکلات رفتاری ارتباط منفی وجود دارد. هر اندازه جوانان بتوانند هیجانات خود را بهتر مدیریت کنند و از مهارت‌های اجتماعی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

بالاتری برخوردار باشند، مشکلات رفتاری کمتری نظیر پرخاشگری، بزهکاری و غیره در آن‌ها مشاهده می‌شود و در زمینه‌های حرف‌های و خانوادگی عملکرد بهتری خواهند داشت (تمنایی فر، ۱۳۸۶ به نقل از کاووسی، ۱۳۸۷).

در مورد نوجوانان نیز، نوجوانانی که قادر به کنترل هیجانات خود هستند، از حمایت اجتماعی بیشتر و احساس رضایتمندی بهتری برخوردارند و آن‌هایی که هوش هیجانی پایینی دارند در مواجهه با استرس‌زاهای زندگی، سازگاری و انطباق ضعیف‌تری خواهند داشت. گلمن بر اساس مطالعاتش نشان داد که هوش هیجانی را می‌توان در گروه‌ها و افراد با سنین مختلف پرورش داد و والدین نیز با به کارگیری روش‌های فرزندپروری در این راستا نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در واقع نوجوانی یک نوع فرآیند و جریان است نه محصول نهایی بچه‌ها در این مسیر با سرعت عبور می‌کنند و والدین وظیفه دارند در این مسیر آن‌ها را کمک کنند تا نوجوانانشان به هدف اصلی یعنی رسیدن به بزرگسالی برخوردار از هوش هیجانی نائل شوند (کاووسی، ۱۳۸۷).

اما برخی از نوجوانان به دو علل عمده عوامل طبیعی مثل مرگ و میر والدین یا عوامل غیر طبیعی مثل عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی و به لحاظ کارکرد و انجام درست و صحیح وظایف خانواده و اجتماع به موسسات شبانه‌روزی سپرده می‌شوند (صنعتی نیا، ۱۳۷۰).

این نوجوانان از خانواده‌هایی هستند که نظام روابط در آن‌ها دچار عدم تعادل شده است و نوجوانان در مواردی از جمله فقدان والدین، رفتارهای ضداجتماعی، جدایی والدین و مواردی نظیر آن را تجربه کرده‌اند (خسروجاوید، ۱۳۸۱).

تاثیر عوامل محیطی بر رشد اجتماعی_روانی و هوش کودکان بی‌سرپرست مدت‌ها مورد بررسی روانشناسان و جامعه شناسان قرارگرفته است. زندگی این افراد در موسسات و مراکزی به نام پرورشگاه دارای ابعاد ناهنجار مختلفی است که هریک به طور جداگانه‌ای محل بررسی می‌باشد. در کنار تحقیقات مختلف پیرامون زندگی در مراکز شبانه‌روزی در واقع آنچه به عنوان هسته اصلی ضایعات میتوان شناخت محیط نامساعد عاطفی است که نهایتا رشد نامساعد شناختی، هوشی، عاطفی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد.

کودکان در موسسات با مشکلات زیادی از جمله مشکلات تغذیه‌ای، پزشکی، مشکلات مربوط به خواب، مشکلات مربوط به همسالان مواجه هستند. درنهایت به نظر می‌رسد موسسات جای مناسبی برای نگهداری کودکان نمی‌باشد و در این گونه مکان‌ها رشد کودکان به لحاظ اجتماعی و روانی با مشکل مواجه می‌شود (چاووشی فر، ۱۳۷۹). در صورتی که رشد هیجانی آن‌ها برای همکاری، مشارکت در کار، تصمیم‌گیری‌های مسئولانه، مقاومت در مقابل فشار گروه‌های هم‌سن و نفوذ وسایل ارتباط جمعی و به طور کلی برای مقابله صحیح با بحران‌ها، حل تعارضات و بهبود ارتباطات و بهداشت روانی نوجوانان نیاز است (کاووسی، ۱۳۸۷).

لذا با توجه به اهمیت و نقش تعیین کننده کنترل و تنظیم هیجان‌ها در برقراری روابط بین‌فردی و کسب موفقیت و به طور کلی جنبه‌های کارکردی هیجان در سلامت جسمی و روانی انسان و نیز با عنایت به اینکه نوجوان باید در محیط مناسب خانواده در کنار والدین و یا محیطی مشابه آن قرارگیرد که پرورش هوش هیجانی وی به طور موثر اتفاق بیافتد. بررسی دقیق‌تر این مولفه در نوجوانان به ویژه نوجوانانی که در موسسات شبه‌خانواده نگهداری می‌شوند حائز اهمیت است تا بتوان برنامه‌ها و نظریات دقیقی را در خصوص نحوه نگهداری کودکان در موسسات ارائه نمود. بر این اساس هدف مقاله حاضر آن است که تفاوت مولفه‌های هوش هیجانی در نوجوانان دفتر مراکز شبه خانواده و نوجوانان دختر داخل خانواده را مورد ارزیابی قرار دهد.

روش

این پژوهش با روش پیمایشی از دسته مطالعات علی مقایسه‌ای است که هوش هیجانی را در دختران نوجوانی که در مراکز شبه خانواده زندگی می‌کنند و دختران نوجوانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند ، با استفاده از ارزیابی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

مقایسهای مورد بررسی قرار دادهاست.

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری گروه مقایسه‌ی این پژوهش شامل کلیه دختران نوجوان سنین ۱۴ تا ۱۸ سال شهر تهران می‌باشد. جامعه آماری گروه مطالعه دختران نوجوان ساکن ۱۰ مرکز شبه‌خانواده شهر تهران در سنین ۱۴ الی ۱۸ سال است که تعداد آن‌ها در زمان انجام تحقیق، ۴۶ نفر بوده است. در بررسی گروه مطالعه این تحقیق نمونه‌گیری انجام نشد، بلکه به علت محدودیت تعداد، کلیه نوجوانان دختر سنین ۱۴ الی ۱۸ سال مراکز شبه‌خانواده شهر تهران که ۴۶ نفر بودند مورد مطالعه قرارگرفتند و روش انتخاب نمونه تمام‌شماری بوده است. در بررسی گروه گواه از روش نمونه‌گیری مضاعف استفاده شد که از هر دو روش نمونه‌گیری منطقه‌ای و نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (خوشه‌ای) استفاده شده است. نمونه‌ی گروه مقایسه ۷۰ نفر به صورت نمونه‌گیری مضاعف می‌باشد که از هر دو روش چند مرحله‌ای و خوشه‌ای استفاده شده‌است، بدین ترتیب که در مرحله‌ی اول شهر تهران از نظر مناطق بیست و دو گانه به ۵ بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و در مرحله‌ی بعدی از هر منطقه ۳ مدرسه به طور تصادفی و از هر مدرسه دو کلاس و از هر کلاس با انتساب اعداد تصادفی نمونه انتخاب شد. همچنین در انتخاب پایه تحصیلی نسبت سن دانش آموزان نیز مد نظر گرفته‌شد.

ابزار سنجش پژوهش: آزمون هوش هیجانی بار-ان دارای ۱۱۷ سوال و ۱۵ مقیاس می‌باشد که توسط بار-ان بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور که ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۱/۲ درصد آنان زن بودند (۱۹۹۸)، اجرا شد و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید و نتایج هنجاریابی نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است (به نقل از سموعی و همکاران،۱۳۸۲).

این پرسشنامه در سال ۱۳۸۲ بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان توسط سموعی و همکاران هنجاریابی شده و تعداد سوالات در پرسشنامه به ۹۰ سوال (گویه) تقلیل یافت. این پرسشنامه دارای ۱۵ خرده مقیاس و ۵ مقیاس اصلی است که به روش ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. خرده مقیاس‌های هوش هیجانی در تست بار- ان عبارتند از : حل مسئله، خوشبختی، استقلال، تحمل فشار روانی، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، واقعگرایی، روابط بین فردی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری، همدلی و خود ابرازی. در این آزمون برای هر مقیاس حداقل نمره، ۶ و حداکثر نمره، ۳۰در نظر گرفته شده است. میانه مقیاس ۱۸ است. برای کل آزمون حداقل ۹۰ و حداکثر نمره ۴۵۰ می‌باشد و میانه نمره کل آزمون ۲۷۰ است. از آنجا که گزینه‌ها بر روی یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند، نمره‌گذاری از ۵ به ۱ (کاملا موافقم ۵ و کاملا مخالفم ۱) و در بعضی سوالات با محتوای منفی یا معکوس که در جدول زیر با علامت ستاره مشخص شده‌اند از ۱ به ۵ (کاملا موافقم ۱ و کاملا مخالفم ۵) انجام می‌شود.

جدول (۱) گویه‌ها، خرده‌مقیاس‌ها و شاخص‌های مقیاس هوش هیجانی بار- ان

مقیاس کلی	شاخص‌ها	خرده مقیاس‌ها	گویه‌ها
هوش هیجانی (۹۰ گویه)	درون فردی (۳۰ گویه)	۱.خود آگاهی هیجانی	۶، ۲۱، ۳۶، ۵۱، ۶۶، ۸۱
		۲.خود شکوفایی	۵، ۲۰، ۳۵، ۵۰، ۶۵، ۸۰
		۳.عزت نفس	۱۰، ۲۵، ۴۰، ۵۵، ۷۰، ۸۵
		۴.خود ابرازی	۱۵، ۳۰، ۴۵، ۶۰، ۷۸، ۹۰
		۵.استقلال	۳، ۱۸، ۳۳، ۴۸، ۶۳، ۷۸
	بین فردی (۱۸ گویه)	۶.همدلی	۱۴، ۲۹، ۴۴، ۵۹، ۷۴، ۸۹
		۷.روابط بین فردی	۸، ۲۳، ۳۸، ۵۳، ۶۸، ۸۳
		۸.مسئولیت پذیری	۱۳، ۲۸، ۴۳، ۵۸، ۷۳، ۸۸
	سازگاری (۱۸ گویه)	۹.حل مسئله	۱، ۱۶، ۳۱، ۴۶، ۶۱، ۷۶
		۱۰.واقع گرایی	۷، ۲۲، ۳۷، ۵۲، ۶۷، ۸۲
		۱۱.انعطاف پذیری	۱۲، ۲۷، ۴۲، ۵۷، ۷۲، ۸۷
	تحمل فشار (۱۲ گویه)	۱۲.تحمل فشار روانی	۴، ۱۹، ۳۴، ۴۹، ۶۴، ۷۹
		۱۳.کنترل تکانش	۱۱، ۲۶، ۴۱، ۵۶، ۷۱، ۸۶
	خلق عمومی (۱۲ سوال)	۱۴.خوشبختی	۲، ۱۷، ۳۲، ۴۷، ۶۲، ۷۷
		۱۵.خوش بینی	۹، ۲۴، ۳۹، ۵۴، ۶۹، ۸۴

میزان پایایی کل آزمون از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۴ می‌باشد. در تحقیق هنجاریابی آزمون که توسط سموعی و همکاران انجام گرفته

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

این میزان ۰/۹۳ بدست آمده است. میزان همبستگی درونی در تحقیق سموعی و همکاران بین مقیاس همدلی ۰/۲ کمترین همبستگی و در مقیاس عزت نفس ۰/۸ بالاترین همبستگی درونی را نشان داده‌است. در این تحقیق کنترل تکانش ۰/۳ کمترین و خوش‌بینی و خوشبختی ۰/۷۷ بیشترین همبستگی درونی را نشان داده‌اند. در اکثر مقیاس‌ها در هر دو پژوهش همبستگی درونی بالاتر از ۰/۶ بین هر خرده مقیاس با کل آزمون نشان داده شده است.

یافته ها

جدول (۲) مقایسه خرده مقیاس‌های هوش هیجانی در بین نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانواده و نوجوانان دختر خانواده

خرده مقیاس	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	t	df	sig
حل مسئله	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۱/۷	۳/۹۰	۲/۰۸	۳/۰۱۶	۱۱۴	۰/۰۰۳
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۲۵	۳/۴۵				
خوشبختی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۱/۰۲	۵/۳۹	۲/۷۷	۲/۹۸۰	۱۱۴	۰/۰۰۴
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۸۰	۴/۵۶				
استقلال	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۸/۹۵	۳/۲۰	۲/۲۲	۳/۰۸	۱۱۴	۰/۰۰۳
	دختران خانواده	۷۰	۲۱/۱۸	۴/۱۵				
تحمل فشار روانی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۷/۶۹	۴/۶۵	۰/۸۹۰	۱/۰۰۶	۱۱۴	۰/۳۱۷
	دختران خانواده	۷۰	۱۸/۵۸	۴/۶۷				
خود شکوفایی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۱/۰۲	۳/۸۴	۲/۲۹	۳/۰۳	۱۱۴	۰/۰۰۳
	دختران خانواده	۷۰	۳۲/۳۱	۴/۰۶				
خودآگاهی هیجانی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۹/۰۴	۴/۲۱	۲/۲۵	۳/۲۴	۱۱۴	۰/۰۰۲
	دختران خانواده	۷۰	۲۰/۳۰	۳/۲۵				
واقع گرایی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۶/۷۸	۳/۳۰	۰/۸۴۶	۱/۱۵۹	۱۱۴	۰/۲۴۹
	دختران خانواده	۷۰	۱۷/۶۲	۴/۱۶				
روابط بین فردی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۱/۹۳	۴/۱۰	۲/۶۷	۳/۲۷	۱۱۴	۰/۰۰۱
	دختران خانواده	۷۰	۲۴/۶۱	۴/۴۳				
خوشبینی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۱/۶۷	۳/۷۰	۲/۰۲	۲/۰۲	۱۱۴	۰/۰۴۵
	دختران خانواده	۷۰	۲۳/۱۲	۳/۸۴				
عزت نفس	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۱/۶۰	۴/۴۲	۰/۹۷۷	۱/۱۵	۱۱۴	۰/۲۵۰
	دختران خانواده	۷۰	۲۲/۵۸	۴/۴۷				
کنترل تکانش	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۵/۶۷	۵/۱۹	-۰/۹۳۱	-۰/۹۲۵	۱۱۴	۰/۳۷۵
	دختران خانواده	۷۰	۱۴/۷۴	۵/۳۶				
انعطاف پذیری	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۸/۰۸	۳/۹۱	۰/۸۶۹	۰/۸۶۹	۱۱۴	۰/۳۸۶
	دختران خانواده	۷۰	۱۸/۷۴	۴/۰۱				
مسئولیت پذیری	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۴/۳۶	۴/۱۶	۰/۵۳۰	۰/۸۰۰	۱۱۴	۰/۴۲۵
	دختران خانواده	۷۰	۲۴/۹۰	۲/۹۷				
همدلی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۲۳/۳۲	۳/۵۰	۱/۴۱	۲/۲۳۱	۱۱۴	۰/۰۲۹
	دختران خانواده	۷۰	۲۴/۷۴	۳/۲۸				
خودابرازی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۱۶/۸۴	۳/۳۱	۲/۲۳	۲/۹۶	۱۱۴	۰/۰۰۴
	دختران خانواده	۷۰	۱۹/۰۸	۴/۳۴				

جدول (۳) مقایسه شاخص های اصلی هوش هیجانی در بین دختران نوجوان شبه‌خانواده و دختران خانواده

خرده مقیاس	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	t	df	sig
درون فردی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۹۷/۴۷	۱۲/۹۸	۹/۹۹	۳/۶۱	۱۱۴	۰/۰۰
	دختران خانواده	۷۰	۱۰۷/۴۷	۱۵/۵۱				
بین فردی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۶۹/۶۳	۹/۳۰	۴/۶۲	۲/۸۰	۱۱۴	۰/۰۰۶
	دختران خانواده	۷۰	۷۴/۲۵	۸/۲۴				
سازگاری	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۵۶/۰۴	۶/۹۸	۳/۵۸	۲/۳۲	۱۱۴	۰/۰۲۲
	دختران خانواده	۷۰	۵۹/۶۲	۸/۷۶				
تحمل فشار	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۳۳/۳۶	۸/۳۳	۰/۰۴۱	۰/۰۲۵	۱۱۴	۰/۹۸۰
	دختران خانواده	۷۰	۳۳/۳۲	۸/۸۴				
شادکامی	دختران شبه‌خانواده	۴۶	۴۲/۶۹	۷/۵۵	۴/۶۱	۳/۳۳	۱۱۴	۰/۰۰۱
	دختران خانواده	۷۰	۴۷/۳۱	۷/۱۱				

جدول (٤) مقایسه میزان کل نمره هوش هیجانی در بین نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانواده با نوجوانان دختر خانواده

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	t	df	sig
دختران مراکز شبه‌خانواده	۴۶	۲۹۹/۱۰	۳۴/۸۲	۲۳/۰۹	۳/۳۱	۱۱۴	۰/۰۰۱
دختران خانواده	۷۰	۳۲۲/۲۰	۳۷/۹۵				

نمونه مورد مطالعه و مقایسه از لحاظ چند ویژگی سن، تحصیلات و نداشتن اختلال یادگیری و روانی همگن‌سازی شدند. میانگین سنی پاسخگویان در گروه مطالعه ۱۶/۴۱ با انحراف معیار ۱/۱۷ و در گروه مقایسه ۱۶/۳۶ با انحراف معیار ۱/۱۴ می‌باشد. در گروه نوجوانان شبه‌خانواده میانگین تحصیلات ۹/۳۶ با انحراف معیار ۱/۸۰ و در گروه نوجوانان خانواده میانگین تحصیلات ۱۰/۹۴ با انحراف معیار آن ۰/۸۶ می‌باشد.

در جدول ۲ مقادیر میانگین و انحراف معیار نمرات نوجوانان دختر دو گروه مطالعه و مقایسه آورده شده است. تفاوت نمرات دختران دو گروه با آزمون تفاوت t سنجیده شده است که نتایج آن بصورت زیر است.

از ۱۵ خرده مقیاس فقط در تحمل فشار روانی، واقع گرایی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری و مسئولیت پذیری تفاوت معنادار نداشتند و در بقیه تفاوت معنادار بود و دخترانی که در خانواده زندگی می‌کردند میانگین بالاتری داشتند.

جدول ۳ نشانگر نتایج آزمون تفاوت بین نوجوانان دختر شبه‌خانواده با نوجوانان دختر از نظر شاخص‌های اصلی هوش هیجانی است.

دخترانی که در مراکز شبه‌خانواده زندگی می‌کنند در مقایسه با دخترانی که با خانواده زندگی می‌کنند از نظر شاخص تحمل فشار تفاوت معناداری نداشته‌اند. لیکن این دو گروه دختران با احتمال ۹۹ درصد از نظر میانگین نمره شاخص درون فردی، شاخص بین فردی و شادکامی، تفاوت معنادار داشته‌اند. میانگین نمره پایین‌تر در هر سه مقیاس مربوط به دختران شبه‌خانواده است. در شاخص سازگاری دختران شبه‌خانواده با احتمال ۹۵ درصد میانگین نمره پایین‌تری داشته‌اند.

جدول ۴ نشانگر نتایج آزمون تفاوت میانگین نمره کل هوش هیجانی نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانواده با نوجوانان دختر خانواده است.

مقدار t حاصل از بررسی تفاوت میانگین نمره کل

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

هوش هیجانی برابر ۳/۳۱ است که نشان دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو گروه دختر است که در مراکز شبه‌خانواده زندگی می کنند با دخترانی که با خانواده خود زندگی می کنند. این تفاوت در سطح ۹۹ درصد اعتماد معنادار بوده و میانگین نمره هوش هیجانی در دختران در مراکز شبه‌خانواده ۲۳ نمره پایین‌تر می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی در نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانواده و نوجوانان دختر داخل خانواده می‌باشد. دختران در مراکز شبانه روزی با دختران در خانواده در خرده مقیاس‌های حل مسئله، احساس خوشبختی، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، روابط بین فردی، خوش‌بینی، همدلی و خود ابرازی تفاوت‌های معناداری داشتند. در کلیه خرده مقیاس‌های فوق، نوجوانان دختر مراکز شبه‌خانوده، میانگین نمره پایین‌تری نسبت به نوجوانان دختر در خانواده داشته‌اند. نتایج مقیاس‌های کلی و میزان تفاوت کل هوش هیجانی بدین صورت است:

– دختران مراکز شبه‌خانواده در مولفه‌های درون‌فردی و بین‌فردی و همچنین نمره شادکامی، پایین‌تر از دختران خانواده قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیقات افروز و شیخ‌زاده (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد که با افزایش خوشبختی و خوشبینی و واقعگرایی، شادمانی افزایش می‌یابد و با کاهش مولفه‌های هوش هیجانی شادمانی نیز کاهش می‌یابد.

– میزان کل هوش هیجانی در دختران مراکز شبانه روزی پایین‌تر از دختران خانواده می‌باشد. نتایج تحقیق مشابهی که توسط میهالا (۲۰۱۴) بر روی نوجوانانی که با خانواده زندگی می کنند با نوجوانانی که در مراکز نگهداری زندگی می کنند انجام شده است، حاکی بر اینست که نوجوانانی که در خانواده زندگی می کنند از فرصت بهتری برای رشد برخوردار بوده‌اند و در ارزیابی‌های عزت نفس و هوش هیجانی نمرات بالاتری نسبت به نوجوانانی که در مراکز نگهداری زندگی می کنند کسب کرده‌اند (میهالا، ۲۰۱۴).

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که فقدان رابطه‌ی گرم و صمیمی با والدین در سال‌های نخست زندگی می‌تواند تاثیرعمیقی بر رشد هیجانی و اجتماعی کودک بگذارد (اتکینسون و همکاران ، ۱۳۷۰؛ استربرگ و دترسون، ۱۹۸۶).

– همچنین در میانگین نمره سازگاری دختران مراکز شبه‌خانواده پایین‌تر از دختران خانواده قرار گرفته‌اند و لیکن این دو گروه دختران از نظر تحمل فشار تفاوت معناداری را نشان ندادند.

– در شاخص سازگاری دختران شبه‌خانوده با احتمال زیاد میانگین نمره پایین‌تری نسبت به دختران خانواده داشته‌اند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی و سازگاری عاطفی و اجتماعی همبستگی معنادار وجود دارد. همچنین کسانی که از دلبستگی ایمن برخوردار بوده‌اند سبک‌های تنظیم هیجانی سازگارانه داشته‌اند. در مقابل کسانی که از دلبستگی ناایمن برخوردار بودند و از سبک‌های تنظیم هیجانی ناسازگارانه بهره می‌جستند، دچار ذهنی آشفته، ناتوانی هیجانی و کم بهره از همدلی بودند. خطر مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکانی که در نوزادی از والدین خود جدا شده‌اند، بیشتر می‌باشد (صفوی و همکاران، ۱۳۸۷؛ ارجمندی، ۱۳۸۳، چاووشیفر، ۱۳۷۹؛ ذراتی و همکاران، ۱۳۸۵).

آذر در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که هوش‌هیجانی اثر مستقیم و معناداری بر پیشرفت تحصیلی و سبک مقابله مسئله مدار دارد (سپهریان آذر، ۱۳۹۰). همچنین مطالعات نشان می‌دهد که هوش هیجانی و شخصیت با ارتباطات اجتماعی افراد ارتباط دارد. در واقع افرادی که از حمایت خانواده برخوردار بوده‌اند، ارتباط خوبی را با دیگران داشته‌اند و نمرات بالایی در هوش هیجانی کسب کرده‌اند (پائولو و همکاران ، ۲۰۰۲؛ حدادی کوهسار و همکاران، ۱۳۸۵). همانطور که از نتایج تحقیق مشخص است، دختران نوجوان شبه‌خانواده در خرده مقیاس حل مسئله میانگین نمره پایین‌تری از دختران خانواده کسب کرده‌اند.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

پیشنهادات

هدف این تحقیق یافتن ویژگی‌های هوش هیجانی نوجوانان مراکز شبه خانواده در مقایسه با نوجوانان خانواده بود و اینک که تفاوت‌ها روشن شده است، پیشنهاد می‌شود جهت کاهش این تفاوت‌ها کلیه‌ی افرادی که با نوجوانان مراکز شبه‌خانواده در تماس هستند شیوه‌های ارتباط صحیح، مهارت‌های زندگی و سبک‌های پرورشی را بیاموزند. با توجه به اهمیت توانش‌های هیجانی در جهت ارتقای بهداشت روانی، (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۲) تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب در این زمینه برای نوجوانان مراکز شبه‌خانواده پیشنهاد می گردد. نتایج تحقیقات هاشم‌آبادی و باقری (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر رشد آن در نوجوانان تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین آموزش هوش‌هیجانی در افزایش بهزیستی روانشناختی و مولفه‌های آن از جمله پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خود مختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی تاثیر دارد (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۲).

منابع

References:

Afrooz, Gh. Sheikhzade, E (2011). Relationship between emotional intelligence and social happiness in School of Tehran's students. Journal of Iranian social development studies, 3(2). [In Persian]

Aghababai, N (2007). Emotional intelligence. Marefat Journal. 16 (119), 80-61. [In Persian]

Akbarzade, N (2004). Emoyional intelligence. Tehran: Farabi pub. [In Persian]

Atkinson,R. Atkinson, RC. Smith, E. Dariel, J. (2008). Hillgard's Introduction to psychology, Berahani et al. 13, Tehran: Roshd pub. [In Persian]

Bahrami, M. (2008). Family and its Pathology. Tabriz: Aidin pub. [In Persian]

Bar-On, R. (1997). Ameasure of emotional and social intelligence in Chicago. Canadian Journal of Behavioral science, 18, 123-137.

Bar-On, R., Tranel, D., Denburg, Nl. Bechara, A.(2003). Exploring the neurological substrate of emotional and social intelligence. Brain; 126(Pt 8): 1790-800.

Bekendam, C. (2001). Dimensions of emotional intelligence: attachements, affect alexithymia and empathy. Dessertation abstract international, 58, 2109.

Chavoshi Far, J. Rasool zade Tabatabei, K (1998). Diffrences between style of encountering on family girls and foster care girls. Journal of psychology, 4(14). 169-184. [In Persian]

Enayati, E. Omidian, M. Abedi, A (2013). Effectiveness of group emotional intelligence training in gifted students' psychological well-being. Journal of Resaerch in Psychological Health. 7(3). [In Persian]

Extremera, N., Fernandez-Berrocal, P. (2002). Relation of perceived emotional intelligence and health-related quality of life of middle-aged woman. Pschol Rep. 91(1): 45-59.

Ghanbari Hashem Abadi, B. Bagheri, H. (2006). Evaluating efficacy of Teaching skills of emotional intelligence and increasing in adolescents. Journal of Ferdosi University. [In Persian]

Golman, D (2003). Emotional intelligence. Parsa, N. Tehran: Roshd pub. [In Persian]

Hadadi Koohsar, A. Roshan, R. Asghar Nejad Farid, A (2006). Comprison of emotional intelligence and psychological health and relation with emotional relationship in family. Journal of Psychology in Tabriz University. 1(4). [In Persian]

Jamali Paghale, S. Abedi, A. Aghaei, E. Zare, R (2011). A comprehensive meta-analysis of the relationship between Emotional Intelligence and mental health. Research in Spychological Health. 4(3,4). [In Persian]

Khaef Elahi, A. Doostar, M. (2003). Demension of emotional intelligence. Journal of management and development.18. 52-54. [In Persian]

Khalil Arjmandi, F. (2004). Comparison of emotional intelligence, social skills and progress in gifted children and normal children. Master's thesis, Tehran: University of Tehran. [In Persian]

KhosroJavid, M. (2002). Investigation of validity and reliability of Shut questionnaire of emotional intelligence, Master's thesis, Tehran: Tarbiat Moalem University. [In Persian]

Lopes, PN. Salovey, P., Cote, S., Beers, M.(2005). Emotional regulation abilities and the quality of social interaction. Emotion. 5(1):113-8.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]

Lopes, PN. Salovey, P., Straus, R.(2003). Emotional intelligence, personality, and the perceived quality pf social relationships. Personality and individual differences 35:641-658.

Mayer, J. D., Crauso, D. R., Salovey, P. (2000). Emotional intelligence as zeitgeist, as personality, and as mental ability. In R. Bar-On & J.D.A. Parker (Eds.), The handbook of emotional intelligence (pp. 92-111). San Francisco: Jossey Bass.

Mihaela, S. (2014). The effect of the growth environment on the adolescents' self-esteem, general intelligence and emotional intelligence. Social and behavioral sciences 127. 864-867.

Monteiro, S. Matos, A. Oliveira, S. (2015). The moderating effect of gender: traumatic experiences and depression in adolescence. Social and behavioral sciences, 165. 251-259.

Morris, J. Stiven, T. Bryan, S (2008). Emotional intelligence development in adolescents. Kavoosi, F. Tehran: Roshd pub. [In Persian]

Parvizi, S. Ahmadi, F. Nikbakht NasrAadi, A (2006). Golden Triangle of family, health and adolescent. Journal of Psychology. 10(2). [In Persian]

Rafiei Far, H. Sajadi, H. Narjiha, H. Noori, R. Farhadi, M. Noroozi, S. Shirin Bayan, P. (2008). Methodology of research in addiction and other social deviance: quantitative and qualitative. Tehran: Danje. [In Persian]

Sabri, M. Alborzi, M. Bahrami, M (2013). Relationship between family, emotional intelligence and creativity in high school students. Journal of ideas of education. 9(2). [In Persian]

Safavi, M. Lotfi, R. Lotfi, M (2008). Relationship between emotional intelligence and social and emotional adaptivity in high school girls in Tehran. Pajouhande Journal. 14(5). [In Persian]

Samadi, M. Rezaie, M (2009). Evaluating role of family in training system from science and religious perspective. Journal of research in training in Islam. 19(12). [In Persian]

Samooie, R (2003). Normalization of Bar-On emotional intelligence questionnaire on Isfahan Universitiy's Students. Master's thesis, Isfahan: Universityi of Isfahan. [In Persian]

Sanati Nia, A. (1991). Toward coaching. Tehran: Behzisti Organization. [In Persian]

Sayad poor, Z (1997). Evaluating the meaning of family in family children and foster care children. Journal of psychology, 3. [In Persian]

Sepehrian Azar, F. (2013). Relationship between emotional intelligence, Ways of encounter with stress and intelligence with progress in education in Orumie. Journal of Shahed University. 9. [In Persian]

Share, H. Asghar Nejad, A. Yeke YAzdan Doost. R, Tabataaie. M (2006). Relation ship between dimension of emotional intelligence and risk of leaving house. Journal of social welfare, 5(21). [In Persian]

Sharifi, R. (1999). Stable Fmaily. Tehran: Family and teachers pub. [In Persian]

Tajali, F. Latifian, M (2008). Effect of relation Schema of family on emotional intelligence of adolscents. Research on family, 14(4), 407-422. [In Persian]

Tamanaifar, M. Mansoori nik, A. Firoozi, M (2013). Relationship between emotional health and emotional intelligence of girl who leave haouse and common girls. Social spychology, 8(26). [In Persian]

Vidal, S., Skeem, J., & Camp, J. (2010). Emotional Intelligence: Painting Different Paths for Low-Anxious and High-Anxious Psychopathic Variants. Law and Human Behavior, 34, 150-163.

Yar mohamadian, A. Sharghi Rad, H (2011). Analysis the relationship between emotional intelligence and social adaptibility in adolescents. Journal of Sociology. 22(4). [In Persian]

Yousefi, F. Safari, H (2009). Investigation of relationship between emotional intelligence and quality of life and itd dimension. Journal of Studies of Psychology. 5(4). 107-128.[In Persian]

Zarati, I. Amin Yazdi, A. Azad Falah, P. (2006). Relationship between emotional intelligence and style of attachement. Journal of cognitive science. 8(1). [In Persian]

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.6.1]